

بررسی انتقادی ماده‌تاریخ‌های منظومهٔ تاریخی مازندران در نسخهٔ «منظومهٔ فتوحات شاه اسماعیل»

شهرام قلی‌پور گودرزی^۱ / محمدرضا نصیری^۲

چکیده

هدف از نگارش این مقاله بررسی انتقادی و مقایسه‌ای ماده‌تاریخ‌های تاریخ مازندران در نسخهٔ منتشر نشدهٔ «منظومهٔ فتوحات شاه اسماعیل» است. این اثر، که به بیان وقایع تاریخی سیاسی ایران، به‌ویژه مازندران و حکومت محلی مرعشیان و دیگر شاهک‌های شمال ایران در عصر صفویه، می‌پردازد، برای تاریخ‌نگاری مازندران بسیار اهمیت دارد؛ ماده‌تاریخ‌های مذکور در این منظومه می‌تواند برخی گزارش‌های تاریخی را تأیید یا تکذیب کند؛ چیزی که ممکن است در برخی تحریف‌ها و تصحیف‌ها رخ داده باشد. شاعر گمنام این منظومه که با چیره‌دستی تمام برای اغلب وقایع مهم ماده‌تاریخ آورده، کوشیده است تاریخ مازندران را، از آغاز تا عصر خویش، از نظر ساختاری در نظمی نوین درآورد. از این رو، در این منظومه نوآوری‌هایی دیده می‌شود که در تاریخ‌نویسی مازندران پیشینه ندارد. ماده‌تاریخ‌های مندرج در این منظومه رویکردمان را در سلسله‌مراتب زمانی، که تاکنون در پشت پردهٔ گشتارهای تاریخی ناپدید بوده‌اند، در جهتی درست سوق می‌دهد. واژگان کلیدی: ماده‌تاریخ، منظومهٔ تاریخی، تاریخ مازندران، تاریخ‌نگاری نوین.

Critical Study on the Chronograms of the Historical Romans of Mazandaran in the Versification Manuscript “Conquests of Shāh Ismā’il”

Shahram Gholipour Gudarzi³ / Mohammadreza Nasiri⁴

Abstract

Critical and comparative Study on the chronograms of the history of Mazandaran based on the unpublished versification manuscript (*Manzume*) named “Conquests of Shāh Ismā’il” is the goal of the paper. This work, dealing with the Iranian historical and political events, esp. with Mazandaran and the local governments of the Marashids as well as other rulers in the northern Iran in the Safavid’s period, is very important for the historiography of Mazandaran. The chronograms coming in the *Manzume* can confirm or disprove some historical records, what might occur in some corruptions and interpolations. The unknown poet of the *Manzume*, who mostly mentioned chronograms for the important occurrences, had tried to order the history of Mazandaran in a new arrangement structurally. In the *Manzume*, therefore, it can be seen some innovations that they have had no background in the historiography for Mazandaran. The chronograms mentioned in the *Manzume* lead our approach to chronography, which were heretofore disappeared behind the curtain of the historical changes, in the right direction. Keywords: chronogram, historical versification manuscript, history of Mazandaran, modern historiography

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه پیام نور، مرکز تحصیلات تکمیلی، تهران (نویسنده مسئول). این مقاله

برگرفته از پایان‌نامه دکتری آقای شهرام قلی‌پور است.

۲. استاد دانشگاه پیام نور، سازمان مرکزی، تهران * تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱۲/۴ * تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۵/۲۱

3. PhD Candidate in history of the Islamic Iran ,University of Payam-e Noor, Graduate Center, Tehran
Email: shahram326@gmail.com

4. Professor at the University of Payam-e Noor, Central Building, Tehran, Email: sarasadeqi@yahoo.com

۱- مقدمه

هنگامی که در تحقیقات تاریخی می‌کوشیم بر معلومات تاریخی خود بیفزاییم، به ویژه هنگامی که با رویکرد تاریخ‌نگاری نوین به تاریخ محلی می‌نگریم، متوجه اهمیت ابزارهایی می‌شویم که اگرچه از ادوار گذشته به یادگار مانده‌اند و خود میراث تاریخ‌نگاری کهن هستند، با کمک آن‌ها می‌توان پرده از مجهولات برگرفت. یکی از این ابزارها ماده‌تاریخ‌هایی هستند که در دیوان‌ها و دفترهای منظوم برخی شاعران مورخ، که می‌توان آنان را مورخان شاعر نیز نامید، بازمانده‌اند؛ ابزاری بسیار کارآمد که هیچ تحقیق عالمانه‌ای نمی‌تواند شمار قابل توجه، جذابیت و اهمیت آن‌ها را در تاریخ‌نویسی و پژوهش‌های تاریخی به شیوه مدرن نادیده بگیرد.

ماده‌تاریخ از ظرافت‌های فنون شعری است و اغلب آن را جزء صنایع مستظرفه، مانند موسیقی و نقاشی، می‌دانند. در گذشته شعرا برای ثبت وقایع ممتازی چون جلوس پادشاهان، فتح شهر یا بنای عمارتی مهم شعرهایی می‌ساختند که در آن‌ها واژه، عبارت یا جمله‌ای مشخص دربردارنده تاریخ آن رویداد بود.^۵ تاریخ‌گویی به این نحو اصطلاحاً «ماده‌تاریخ‌سازی» خوانده می‌شود که به حساب جمل (حروف ابجد) و ارزش عددی حروف با تاریخی مشخص برابر می‌شود.

ماده‌تاریخ‌نویسی از سده هفتم به بعد در ادبیات فارسی رایج شد و نه تنها با اشعار فارسی و عربی بسیاری از شاعران قرن سیزدهم و چهاردهم، که حتی با منظومه‌های تاریخی نیز گره خورد. در همه این آثار معمولاً شاعر می‌کوشد با به‌کاربردن ماده‌تاریخ‌سازی، از آن به‌منزله یک امتیاز برای خویش بهره‌گیرد؛ فوننی که اغلب شاعران را یارای دست‌یازیدن بدان نیست. در این راه، شاعر می‌کوشد دست‌کم به یکی از این اهداف دست یابد: ثبت تاریخ حوادث، سهولت در حفظ تاریخ حوادث، تبدیل مفاهیم کیفی به کمی،^۶ هنرنمایی، سرگرمی، و پیش‌گیری از تحریف یا تصحیف احتمالی سال‌شمار.

یکی از این شعرای چیره‌دست در ماده‌تاریخ‌نویسی صاحب منظومه تاکنون منتشر نشده‌ای است با عنوان «منظومه فتوحات شاه اسماعیل» که نسخه منحصر به فرد آن به شماره ۴۷۶۹ در گنجینه کتابخانه و موزه ملی ملک نگهداری می‌شود.

۵. میمنت میرصادقی، واژه‌نامه هنر شاعری (تهران: کتاب ممتاز، ۱۳۷۳)، ص ۲۲۷.

۶. شاعر با ذکر ماده‌تاریخ شعری نه تنها قادر است تاریخ رویدادی را بیان کند، که می‌تواند موضوع بحث خویش را نیز تکمیل

۲- معرفی اجمالی نسخه

این اثر، که در این‌جا به جهت اختصار در کلام «منظومه» نامیده می‌شود، و شاید بتوان آن را نوعی «رُمانس» نیز خواند، به قطع ۱۷/۷ × ۲۸/۴ سانتی‌متر، در ۳۹۷ برگ و هر صفحه ۲۰ سطر، به زبان فارسی و خط نستعلیق بر کاغذ سمرقندی و مجدول به طالا تحریر شده است. نسخه مزبور که سرلوح مذهب خراب، عنوان و نشان شنگرف و رکابه دارد، با جلد می‌شَن (پوست گوسفند) قهوه‌ای روشن تجلید شده است. نویسنده آن نامعلوم، اما به خط سیداحمد الحسینی خلیفه در سال ۱۱۳۲ق کتابت شده است، گرچه هیچ بعید نیست نویسنده و کاتب یکی باشند. این نسخه با بیت زیر آغاز می‌شود:

سزای سر حرف هر تاج‌دار بود آن سر مسند پرده‌دار

و با بیتی به انجام می‌رسد که در آن از سلطان حسین، آخرین شاه صفوی و هم‌عصر شاعر، یاد شده است:

ز چتر دل افروز سلطان حسین جهان باد تاقت روشن چو عین

منظومه مزبور تاریخ منظومی است در قالب مثنوی که به بیان وقایع تاریخی سیاسی ایران، به‌ویژه مازندران و حکمرانی مرعشیان و دیگر حکمرانان شمال ایران در عصر صفویه، می‌پردازد.

۳- اهمیت ماده‌تاریخ‌های منظومه حاضر در تاریخ‌نگاری مازندران

در منابع تاریخ محلی مازندران تناقضات و لغزش‌هایی اساسی در کرونولوژی و ترتیب زمانی وقایع دیده می‌شود که عمده‌ترین آن‌ها تناقض در تاریخ‌گذاری مدت حکمرانی و سال تولد و وفات ملوک تبرستان است. در ادامه مهم‌ترین علل این تناقضات از نظر می‌گذرد:

الف. اقتباسی بودن منابع

مهم‌ترین منابع اصلی تاریخ مازندران، به‌ترتیب تاریخ تألیف، تاریخ طبرستان اثر ابن اسفندیار آملی،^۷ تاریخ رویان اثر اولیاءالله آملی،^۸ و تاریخ طبرستان و رویان و مازندران اثر ظهیرالدین مرعشی^۹ هستند. یکی از بارزترین ویژگی‌های این منابع آن است که هر یک کاملاً از منبع یا

۷. حسن ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال (تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۳۰).

۸. اولیاءالله آملی، تاریخ رویان، تصحیح عباس خلیلی (تهران: اقبال، ۱۳۱۳).

۹. ظهیرالدین مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش محمدحسین تسیبچی (تهران: شرق، ۱۳۶۸).

منابع پیشین خود پیروی کرده‌اند. برای نمونه، با این که تاریخ رویانِ اولیاءالله به دلیل دریافت نقل قول‌های افواه و جذب تاریخ شفاهی هم‌عصر مؤلف برای آگاهی از تاریخ غرب مازندران در قرن هشتم هجری فوق‌العاده مهم است، مهم‌ترین منبع مکتوب آن تاریخ طبرستان ابن اسفندیار است. چنان که عمده مطالبِ باب نخستِ آن مطلقاً برگرفته از همین تاریخ است. این وضعیت در مورد تاریخ طبرستان و رویان و مازندران نیز که از آثار قرن نهم هجری است صدق می‌کند: بخش اول این کتاب، که در ذکر بنای شهرهایی چون امل، ساری، گرگان و شرح حکومت مسلمانان از نواب خلفا، حکام محلی و ذکر ملوک قدیم رستمدر است، آشکارا اقتباسی از تاریخ رویانِ اولیاءالله املی است.

ب. تطبیق دو تاریخ عجمی و هجری

منابع تاریخ محلی شمال ایران بر اساس دو تاریخ نوشته شده‌اند: یکی تاریخ یزدگردی که از سال یازدهم هجرت شروع می‌شد و دیگری تاریخی مخصوص که اسپهبدان تبرستان آن را وضع کرده بودند و از سال سی و یکم هجری آغاز می‌شد. در حقیقت، بی‌توجهی مورخان به اختلاف بیست ساله تاریخ یزدگردی و تاریخ مخصوص اسپهبدان تبرستان موجب ذکر تاریخ‌هایی متناقض شده است؛ از جمله سید ظهیرالدین ابتدای سلطنت آل بادوسپان را مطابق نوشته ابن اسفندیار سال پنجاهم عجمی قرار داده، اما مبدأ آن را ده سال قبل از تاریخ هجری و وفات گاوباره را در سال چهلیم هجری دانسته است. شاید او تاریخ عجمی مذکور را که عبارت از تاریخ یزدگردی و مبدأ آن ده سال بعد از هجرت است، ده سال قبل از آن تصور کرده است.^{۱۰} همین تطبیق‌نداشتن دو تاریخ عجمی و هجری موجب شده که جدول فهرست حکمرانان ملوک طبرستان در کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران با تناقضات و اشتباهاتی همراه شود. این تناقضات و تفاوت‌ها در مآخذ بعدی، که از آن پیروی کرده‌اند، عیناً تکرار شده است.

با توجه به چنین شناختی، ماده تاریخ‌های مذکور در این منظومه اهمیت بیشتری می‌یابند، چراکه می‌توانند در رفع تناقضات و اشتباهات تاریخی، به‌ویژه در شیوه ارائه تاریخ‌های مهم مازندران، کمک بسزایی نمایند:

الف) ذکر ماده تاریخ‌ها در محافل و مجالس، به دلیل زبان شعرگونه‌شان، می‌توانست موجبات حفظ آن‌ها در خاطر‌ها و در نتیجه بقا و ماندگاری تاریخ رویدادها را فراهم کند. در واقع، ترویج

۱۰. بنگرید به: ظهیرالدین مرعشی، صص هفتاد و چهار - هفتاد و هشت.

ماده‌تاریخ‌ها می‌توانست موجب توزیع و توسعه تاریخ‌ها در میان عوام‌الناس، ادیبان، شاعران و هنرمندان شود، و در حفظ و پایداری و جلوگیری از تحریف و لغزش در ضبط تاریخ‌ها بسیار مؤثر باشد. (ب) تاریخ‌گذاری‌های آشفته وقایع تاریخی شمال ایران به دلیل آن که تاکنون در ساختاری منظم و منسجم به صورت مقایسه‌ای تنظیم نشده‌اند، موجب سردرگمی محققان شده‌اند. از این رو، چنین پژوهش‌هایی می‌توانند به مدد نسخه‌های نویافته‌ای چون منظومه حاضر و مقایسه تاریخ وقایع در منابع و مأخذ، موجب انسجام و یکنواختی در ارائه تاریخ‌ها شوند. (ج) ماده‌تاریخ‌های مذکور در این منظومه می‌توانند صحت برخی از گزارش‌های اصیل را تأیید یا تکذیب کنند؛ چیزی که ممکن است در برخی تحریف‌ها و نیز تصحیف‌ها رخ داده باشد.

۴- موضوعات ماده‌تاریخ‌های منظومه

فراوانی ابیات ماده‌تاریخ‌دار در این نسخه آشکارا گویای این نکته است که این آرایه ادبی یکی از مهم‌ترین ابزارهای این شاعر مورخ در ثبت دقیق وقایع بوده است. در این جا، برای سهولت در بررسی و تنظیم نتایج، این مواد تاریخی را به پنج بخش معین تقسیم می‌کنیم.

۴-۱ تولد و ازدواج

در این زمینه در سراسر منظومه فقط یک بیت ثبت شده است:

چو در سال بخت او تولد نمود چو شعبان شد از سال با بخت بود

(برگ ۴۴۱، بیت ۳)

واژه «بخت» به حساب ابجد برابر با رقم ۱۰۰۲ و «با بخت بود» برابر با ۱۰۱۵ است؛ دو ماده‌تاریخی که شاعر آن‌ها را به زیبایی هرچه تمام‌تر با واژه «بخت» ساخته است؛ به‌ویژه آن که در بخت نخست ماده‌تاریخ تولد و در بخت دوم ماده‌تاریخ ازدواج را ثبت کرده است: (الف) در ماده‌تاریخ نخست سال تولد میرزا علاءالدین حسین، مشهور به خلیفه‌سلطان ابن میرزا رفیع‌الدین محمد خلیفه مرعشی، آمده است. در برخی منابع^{۱۱} سال تولد خلیفه‌سلطان ۱۰۰۱ (ق ذکر شده است؛ ب) بر اساس منظومه، خلیفه‌سلطان در سال ۱۰۱۵ (ق به دامادی خاقان گیتی‌ستان (شاه عباس) درآمده، در حالی که بنا بر شماری از منابع، شاه عباس دختر خویش، خان آغا بیگم، را در ۱۵ شعبان سال ۱۰۱۷ (ق

۱۱. آقابزرگ تهرانی، طبقات‌الاعلام‌الشیعه، تحقیق علی‌نقی منزوی، ج ۵، (بیروت: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۳)،

به همسری وی درآورده است.^{۱۲} اهمیت این ماده تاریخ به‌ویژه از آن‌جا روشن می‌شود که در برخی منابع دیگر سال ۱۰۱۸ ق نیز ضبط شده است.^{۱۳}

۴-۲ آغاز حکومت یک دودمان یا آغاز حکومت یکی از فرمانروایان

۴-۲-۱ شاهدی برای آغاز حکومت یک دودمان

شمر شاه مازندرانی کمال که دانی جلوسش بود در چه سال

(برگ ۷۶۰، بیت ۳)

کل مصرع «شمر شاه مازندرانی کمال» دارای ارزش عددی ۷۶۰، برابر با سال ۷۶۰ ق، است. مؤلف با این ماده تاریخ آغاز حکومت سادات مرعشی مازندران را ثبت کرده، که نخستین فرمانروای آن میرقوام الدین مرعشی است. فرمانروایی مرعشیان بر مازندران تا سال ۱۰۰۵ ق دوام آورد، اگرچه حمله تیمور در سال ۸۹۶ ق ضربه مهلکی بر آن وارد کرد.^{۱۴}

۴-۲-۲ شاهدی برای آغاز حکومت یکی از فرمانروایان

چو رفت او قباد از نژادش حقیق به تاج پدر گشت سال خلیق

(برگ ۷۷۵، بیت ۸)

واژه «خلیق» در این بیت برابر است با سال ۷۴۰ ق. این ماده تاریخ به آغاز حکومت عضدالدوله قباد بن فخرالدوله، از ملوک باوندی رویان و رستمدر، اشاره دارد. بنا بر برخی منابع، مدت حکومت این ملک از سال ۷۸۰ تا ۷۸۱ ق^{۱۵} یا به قولی دیگر از سال ۷۸۰ تا ۷۸۲ ق^{۱۶} بوده است.

۴-۳ سال‌شمار کل دوران حکومت یک فرمانروا به‌همراه مفروضاتی از گشتارهای

تاریخی

در این‌جا ماده تاریخ‌هایی بررسی می‌شوند که بیانگر مدت حکومت فرمانروایان مازندران و رویان

۱۲. همان، ج ۶ ص ۱۶۴؛ نصرالله فلسفی، زندگانی شاه عباس اول، چاپ سوم، ج ۲ (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۴)، ص ۲۰۰.

۱۳. میرزا محمد معصوم، تاریخ سلاطین صفویه، سعی و اهتمام سید امیرحسن عابدی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱)، صص

۵۸-۵۹؛ اسکندربیک ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش فرید مرادی، ج ۱ (تهران: نگاه، ۱۳۹۰)، ص ۸۹.

۱۴. بنگرید به: مصطفی مجد، ظهور و سقوط مرعشیان (تهران: رسانش، ۱۳۸۸)، صص ۷۱-۷۴؛ عباس شایان، کتاب مازندران

(ساری: مؤلف، ۱۳۱۶)، ص ۲۱۹.

۱۵. اسماعیل مهجوری، تاریخ مازندران، ج ۱ (تهران: توس، ۱۳۸۱)، ص ۳۱۳.

۱۶. چراغ‌علی اعظمی سنگسری، گاوبارگان پادوسپانی؛ بازماندگان ساسانیان در رویان (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۴)، ص ۲۰۱.

و رستمدار هستند. مدت شهریاری این فرمانروایان اغلب کوچک در تاریخ‌نویسی مازندران همواره یکی از دلمشغولی‌های صاحب‌نظران بوده است، زیرا پیکره زمانی آن به دلیل دست‌به‌دست شدن فوری حکومت و جابه‌جایی گستره قلمرو دچار آشفتگی و گشتار منحصربه‌فردی است که به نظر می‌رسد فقط با مدارک تاریخ محلی قابل بازسازی است. ممکن است برخی از این دگرگشت‌های زمانی را بتوان با ماده‌تاریخ‌هایی که صاحب این منظومه به دست داده، به قرار ذیل، تحلیل کرد.

۱-۳-۴ ماده‌تاریخ جبل برای رقم ۳۵:

... از شاهان به قدر جبل در املاک کوه امتداد عمل

(برگ ۷۵۲، بیت ۸)

بنا بر تاریخ رویان، پور گیل گاوباره پادوسبان یکم سی و پنج سال (۴۰-۷۵ق) در رویان حکومت کرده است.^{۱۷} این رقم در تاریخ خاندان مرعشی، که در تاریخ مازندران و رویان اقدم منابع است، سی است.^{۱۸} ماده‌تاریخ مزبور نشان می‌دهد که مؤلف منظومه در این اپیزود تاریخی از منبع دست دوم، یعنی اثر شیخ‌علی، که پس از تاریخ مرعشی نگاشته شده،^{۱۹} بهره برده است.

۲-۳-۴ ماده‌تاریخ کی برای رقم ۳۰:

هم از او چو خورشید تیغ شکوه چو کی داشت خورزاد نسلش به کوه

(برگ ۷۵۲، بیت ۹)

در این بیت، کی (۳۰) ماده‌تاریخ مدت فرمانروایی خورزاد پور پادوسپان / خورزاد یکم (حیات: ۱۰۵-۱۷۵ق) در رستمدار است.^{۲۰} محققانی چون اعظمی سنگسری، برزگر، مهجوری، اعتمادالسلطنه

۱۷. شیخ‌علی گیلانی، تاریخ مازندران، تصحیح منوچهر سستوده (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲)، ص ۸۰؛ نیز بنگرید به: اعظمی سنگسری، ص ۱۵؛ اردشیر برزگر، تاریخ تبرستان، تصحیح و پژوهش محمد شکر فومشی (تهران: رسانش، ۱۳۸۰)، ۹۲-۹۳؛ مهجوری، ص ۶۶.

۱۸. ظهیرالدین مرعشی، ص ۱۵۸؛ نیز بنگرید به: ه ل. رابینو، مازندران و استراباد، ترجمه غلام‌علی وحید مازندرانی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵)، ص ۲۱۸؛ محمدحسن اعتمادالسلطنه، تاریخ طبرستان (التدوین فی احوال جبال شروین)، تصحیح میترا مهرآبادی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۳)، ص ۲۱۴.

۱۹. اگرچه تاریخ شیخ‌علی بر اساس تاریخ مرعشی و در اغلب مواضع تحت تأثیر شدید آن به رشته تحریر درآمده، معلوم نیست بر چه اساسی در تعیین سال مزبور از او پیروی نکرده است. این پرسش همچنان بی‌پاسخ می‌ماند که آیا منبع دیگری در نگارش این اثر تاریخی نقش داشته است که ما از وجود آن بی‌خبریم یا این تاریخ‌گذاری بر اساس محاسبه شخصی مؤلف بوده است.

۲۰. ظهیرالدین مرعشی، ص ۱۵۸.

و رابینو از مرعشی پیروی کرده‌اند.^{۲۱} اما شیخ علی گیلانی، منبعی که پس از مرعشی تاریخ مازندران را به رشتهٔ تحریر در آورده است، مدت حکومت خورزاد یکم را، همچون مدت فرمانروایی پدرش، پادوسپان یکم پسر گیل گاوباره، سی و پنج سال می‌داند.^{۲۲}

۳-۳-۴ ماده تاریخ یل برای رقم ۴۰ و کی برای رقم ۳۰:

یل^{۲۳} ۳۴۰ بود پادوسپان کامکار چو کی بود صاحب نگین شهریار

(برگ ۷۵۲، بیت ۱۲)

در مصرع نخست ماده تاریخ یل (۴۰) مدت شهریاری پادوسپان بن خورزاد/ پادوسپان دوم (۱۰۵-۱۴۵ق) در رویان است.^{۲۵} تاریخ طبرستان، که کهن‌ترین منبع در تاریخ مازندران است، به مدت فرمانروایی اصفهید پادوسپان اشاره‌ای نمی‌کند^{۲۶} و حتی معلوم نیست که مقصود مؤلف در آن‌جا همین اسپهبد پادوسپان بوده است. این رویه در اثر شیخ علی گیلانی نیز پیروی شده است: «پادوسپان بن خورزاد و اهل اسلام را که در عهد ابو جعفر منصور تسخیر ولایت طبرستان کرده بودند...»^{۲۷} در مصرع دوم ماده تاریخ کی، با ارزش عددی سی، مدت حکومت استندار شهریار یکم پسر استندار پادوسپان دوم (۱۴۵-۱۷۵ق) در رویان و رستمدر است.^{۲۸} بسیار هوشمندانه است که شاعر در این بیت فرمانروا پادوسپان را «یل» و استندار شهریار یکم را «کی» می‌خواند؛ دو عنوانی که خود ماده تاریخ قرار گرفته‌اند.

۴-۳-۴ ماده تاریخ لب برای رقم ۳۲:

پس امید پیمان‌اش در طرب چو پرگشت جانش برآمد به لب

(برگ ۷۵۲، بیت ۱۳)

۲۱. اعظمی سنگسری، ص ۲۰۰؛ برزگر، صص ۹۲-۹۳ و ۲۷۸-۳۷۹؛ مهجوری، ص ۶۶؛ اعتمادالسلطنه، ص ۲۱۴؛ رابینو، ص ۲۱۸.
۲۲. شیخ علی گیلانی، ص ۸۰.
۲۳. کلمه دشوارخوان، اما قرائت قطعی است.
۲۴. کاتب این رقم را با مرکب سرخ بر فراز واژه یل درج کرده است.
۲۵. تأیید می‌شود در: ظهیرالدین مرعشی، ص ۱۵۸؛ اولیاءالله آملی، ص ۸۷؛ رابینو، ص ۲۱۸؛ اعظمی سنگسری، ص ۱۶ و ۲۰۰؛ برزگر، صص ۹۲-۹۳ و ۲۷۸-۳۷۹؛ مهجوری، ص ۶۶؛ اعتمادالسلطنه، ص ۲۱۴.
۲۶. بنگرید به: ابن اسفندیار، ص ۹۳.
۲۷. همان، ص ۸۰.
۲۸. تأیید بر اساس: ظهیرالدین مرعشی، صص ۱۴-۱۵ و ۱۵۸؛ شیخ علی گیلانی، ص ۸۰ و پیروی از سوی اعظمی سنگسری، صص ۱۷-۱۹ و ۲۰۰؛ اعتمادالسلطنه، ص ۲۱۴؛ برزگر، ص ۳۸۰؛ رابینو، ص ۲۱۸.

لب در مصرع دوم، ماده‌تاریخی با ارزش عددی ۳۲، به مدت حکومت استندار وندا امید بن شه‌ریار یکم / امید یکم (۱۷۵-۲۰۷ق) بر رویان اشاره می‌کند.^{۲۹} ابن اسفندیار و اولیاءالله آملی، کهن‌تر از مدارک فوق، از شه‌ریاری به نام استندار وندا امید بن شه‌ریار نامی نمی‌برند.

۴-۳-۵ ماده‌تاریخ دل برای رقم ۳۴:

چو عبدالله آن تاج والا نهاد به قدر دل از مملکت دل گشاد

(برگ ۷۵۲، بیت ۱۴)

این بیت، با ماده‌تاریخ دل برای رقم ۳۴، مدت حکومت استندار عبدالله بن وندا امید (۲۰۷-۲۵۱ق) بر رویان را نشان می‌دهد و برابر است با مدت زمانی که سید ظهیرالدین مرعشی^{۳۰} ذکر می‌کند.^{۳۱} این نکته بدان معناست که شاعر ما از تنها منبعش مرعشی پیروی کرده است، اگرچه معلوم نیست در نسخه‌ای که وی از آن بهره برده، تصحیفی رخ داده بوده است. علت این امر آن است که عبدالله بن وندا امید به هنگام خروج حسن بن زید داعی کبیر (۲۵۰ق) می‌زیست،^{۳۲} و بنابراین، ممکن است مدت ۴۳ سال برای حکومت وی، که اعظمی سنگسری و برزگر آن را پذیرفته‌اند،^{۳۳} صحیح باشد.

۴-۳-۶ ماده‌تاریخ می برای رقم ۱۸:

پس او و پسر را به دولت حیات چو می بود و چون شد زمان وفات

(برگ ۷۵۲، بیت ۱۸)

ماده‌تاریخ می، با ارزش عددی ۱۸، در این بیت همان مدت حکومت استندار پادوسبان بن افریدون قارن / پادوسبان سوم (۲۷۲-۲۹۰ق) بر رویان است و مطابق با گزارش شیخ‌علی گیلانی و آن‌گاه مرعشی است.^{۳۴}

۲۹. نخستین اشاره از او در: مرعشی، صص ۱۴-۱۵، ۱۵۸؛ و آن‌گاه در: شیخ‌علی گیلانی، ص ۸۰؛ پیروی‌شده از سوی اعتمادالسلطنه، ص ۲۱۴؛ رابینو، ص ۲۱۸؛ اعظمی سنگسری، ص ۱۹ و ۲۰۰.

۳۰. ظهیرالدین مرعشی، ص ۱۵ و ۱۵۸)

۳۱. نیز بنگرید به: اعظمی سنگسری، صص ۲۱-۲۰ و ۲۰۰؛ برزگر، صص ۳۸۱-۳۸۲؛ رابینو، ص ۲۱۸؛ اعتمادالسلطنه، ص ۲۱۴.

۳۲. تأییدشده همچنین در منظومه، «ذکر احوال ملوک نور از جمله ولایت رستمدر بلاد جبال مازندران»: در ایام او کرد داعی خروج / به امنیش شد ز بیعت عروج (برگ ۷۵۲، بیت ۱۵).

۳۳. اعظمی سنگسری، صص ۲۱-۲۰ و ۲۰۰؛ برزگر، صص ۳۸۱-۳۸۲.

۳۴. شیخ‌علی گیلانی، ص ۸۱؛ ظهیرالدین مرعشی، ص ۱۵۸؛ نیز به پیروی از او: اعظمی سنگسری، صص ۲۳ و ۲۰۰؛ رابینو،

ص ۲۱۸؛ اعتمادالسلطنه، ص ۲۱۴.

۷-۳-۴ ماده تاریخ بود برای رقم ۱۲:

چو او رفت از دوده‌اش شهریار به اندازه بود شد تاجدار

(برگ ۷۵۳، بیت ۵)

بنا بر ماده تاریخ بود در مصرع دوم این بیت، مدت فرمانروایی استندار شهریار بن جمشید بن دیوبند بن شیرزاد بن افریدون / شهریار سوم (۳۰۹-۳۲۱ق) دوازده سال بوده است. این سنوات در منابع اصلی چون شیخ علی گیلانی و مرعشی تأیید می‌شود.^{۳۵} ابن اسفندیار در شرح واقعه‌ای مربوط به سال ۳۷۰ق از او و حسن بن قاسم داعی صغیر یاد می‌کند.^{۳۶}

۸-۳-۴ ماده تاریخ جبل برای رقم ۳۵:

به قدر جبل در بلاد جبال دل افروخت زرین کمر از جلال

(برگ ۷۵۳، بیت ۹)

شاعر در مصرع اول مدت حکومت استندار حسام‌الدوله زرین کمر بن فرامرز بن شهریار بن جمشید / حسام‌الدوله یکم (۳۴۷-۳۸۲ق) در رستم‌دار و رویان را ماده تاریخ قرار داده که همانا جبل، به قدر و با ارزش عددی ۳۵، است.^{۳۷} در این میان، اردشیر برزگر مدت حکومت وی را از ۳۳۹ تا ۳۷۴ق می‌داند، اگرچه مدت ۳۵ سال را می‌پذیرد.^{۳۸}

۹-۳-۴ ماده تاریخ جیدی برای رقم ۲۷:

چو در مدت جیدی بود سیف به خوان حکومت چو اجداد ضیف

(برگ ۷۵۳، بیت ۹)

بنا بر مصرع نخست، با ماده تاریخ جیدی، سیف‌الدوله زرین کمر بن فرامرز بن شهریار بن جمشید (۳۸۲-۴۰۹ق) به مدت ۲۷ سال در رستم‌دار و رویان حکومت کرده است.^{۳۹} اردشیر برزگر^{۴۰} این مدت

۳۵. شیخ علی گیلانی، ص ۸۱؛ ظهیرالدین مرعشی، ص ۱۵۹؛ نیز بنگرید به: اعظمی سنگسری، ص ۲۹-۲۸ و ۲۰۰؛ رابینو، ص

۲۱۸؛ اعتمادالسلطنه، ص ۲۱۵.

۳۶. ابن اسفندیار، ج ۱، صص ۲۸-۲۹.

۳۷. تأیید می‌شود در: ظهیرالدین مرعشی، صص ۱۵-۱۶ و ۱۵۹؛ پذیرفته شده از سوی اعظمی سنگسری، صص ۳۴-۳۵ و ۲۰۰؛

رابینو، ص ۲۱۸؛ اعتمادالسلطنه، ص ۲۱۵.

۳۸. برزگر، ص ۳۹۲.

۳۹. نیز بر اساس: شیخ علی گیلانی، ص ۸۲؛ ظهیرالدین مرعشی، صص ۱۵ و ۱۵۹.

۴۰. برزگر، ص ۳۹۲.

را می‌پذیرد، اما احتمالاً از آن رو که وی معاصر فخرالدوله ابوالحسن علی و مجدالدوله ابوطالب رستم (۳۸۷-۴۲۰ق) و شمس‌الدوله ابوطاهر (۳۸۷-۴۱۲ق) از شاهان آل بویه بوده است،^{۴۱} آغاز و پایان شهریارباش را هشت سال به عقب می‌برد و آن را از ۳۷۴ تا ۴۰۱ق می‌داند.^{۴۲}

۳-۴-۱۰ ماده تاریخ جیبی برای رقم ۲۵:

برآورد سر اردشیر حسام به مقدار جیبی چو سیف از نیام (برگ ۷۵۳، بیت ۱۲)

ماده تاریخ جیبی در مصرع دوم نمایشگر ۲۵ سال شهریارباش استندار حسام‌الدوله اردشیر بن سیف‌الدوله باحرب (۴۰۹-۴۳۴ق) در رویان است.^{۴۳} برزگر اگرچه ۲۵ سال را می‌پذیرد، شروع حکومت وی را از ۴۰۱ تا ۴۲۶ق می‌داند.^{۴۴}

۳-۴-۱۱ ماده تاریخ لب برای رقم ۳۲:

چو لب نامور داشت ابن نصیر که فرزند سیف است کام از سریر (برگ ۷۵۳، بیت ۱۳)

در مصرع اول ماده تاریخ لب، با ارزش عددی ۳۲، شمار سال‌هایی است که فخرالدوله نامور ابن نصیرالدوله شهریار بن باحرب (۴۳۴-۴۶۸ق) در رویان حکومت کرده است.^{۴۵} اگرچه همه منابع در مورد مدت فرمانروایی وی اتفاق نظر دارند، برزگر او را استندار و مدت حکومتش را ۳۲ سال، از ۴۲۶ تا ۴۵۸ق، در نظر می‌گیرد؛^{۴۶} و ملگونوف نیز که مدت ۳۲ سال را می‌پذیرد، آغاز شهریارباش را از سال ۴۳۸ق حساب می‌کند.^{۴۷}

۴۱. به‌ویژه بنگرید به: اعظمی سنگسری، صص ۳۵ و ۲۰۰.

۴۲. برزگر، ص ۳۹۲.

۴۳. ظهیرالدین مرعشی، ص ۱۵۹؛ پذیرفته‌شده از سوی اعظمی سنگسری، صص ۳۴ و ۲۰۰؛ اعتمادالسلطنه، ص ۲۱۵؛ رابینو، ص ۲۱۸.

۴۴. برزگر، ص ۳۹۲.

۴۵. ظهیرالدین مرعشی، ص ۱۵۹؛ شیخ‌علی گیلانی، ص ۸۲؛ نیز بنگرید به: رابینو، ص ۲۱۸؛ اعظمی سنگسری، صص ۳۵ و ۲۰۰.

۴۶. برزگر، ص ۳۹۲.

۴۷. گ. و. ملگونوف، سفرنامه ملگونوف به سواحل جنوبی دریای خزر، تصحیح مسعود گلزاری (تهران: دادجو، ۱۳۶۴)، ص ۳۴.

۴-۳-۱۲ ماده تاریخ جود برای رقم ۱۳:

در آن شهر یوش از عدالت نمود جهان شاد و همت به مقدار جود

(برگ ۷۵۳، بیت ۱۵)

شاعر مورخ در مصرع یکم این بیت فعل «نمود» را با ماده تاریخ جود، یعنی با عدد ۱۳، در مصرع دوم هم قافیه کرده است تا مدت حکومت استندار شهرنوش بن هزار اسپ (۵۰۸-۵۳۵ق) را در رویان نشان داده باشد. ابن اسفندیار او را امیر استندار شهر یوشن می نامد و تاریخ مرگش را در حدود ۵۳۵ق ذکر می کند.^{۴۸} بر خلاف اولیاءالله آملی و سید ظهیرالدین مرعشی،^{۴۹} که به زمان حکومت وی نپرداخته اند، شیخ علی گیلانی ملک وی را «سیزده سال» ذکر می کند.^{۵۰} از میان محققان معاصر، ویلفرد مادلونگ ترجیح داده است در باب سال شمار حکومت این استندار سکوت اختیار کند. اما استدلال اعظمی سنگسری قابل توجه است که آغاز و پایان شهریاری وی را از سال ۵۰۸ تا ۵۳۵ق و مدت آن را ۲۷ سال می داند.^{۵۱} از نظر او، از آن جا که جانشین استندار شهرنوش، یعنی اسکندر کیکاوس، پس از مرگ کبابزرگ در سال ۵۵۱ق به حکومت رسیده، طبیعی است که تصور کنیم آغاز حکومت کیکاوس و پایان فرمانروایی پدرش شهرنوش پیش از سال ۵۵۱ نبوده است.^{۵۲} این فرضیه ممکن است با زوایای پیدا و ناپیدای تاریخی همخوان باشد، البته مشروط به این که کیکاوس «جانشین بلافصل» شهرنوش بوده باشد. از این رو، پنجره پژوهش در باب مدت شهریاری شهرنوش همچنان باز است و تأیید یا رد این که او ۱۳ سال حکومت کرده است بنا بر منبع مهمی چون اولیاءالله یا ۱۹ سال، مطابق دیدگاه محققان معاصر چون رابینو،^{۵۳} به پژوهش های بیشتری نیاز دارد.

۴-۳-۱۳ ماده تاریخ طوبی برای رقم ۲۷:

نگین برادر شد از شهریار از او بود بر قدر طوبی دیار

(برگ ۷۵۴، بیت ۱۷)

بنا بر منظومه، ماده تاریخ مدت حکومت استندار نصیرالدوله شهریار ابن شاه کیخسرو/ شهریار

۴۸. ابن اسفندیار، ج ۲، ص ۹۶.

۴۹. اولیاءالله آملی، صص ۸۸-۸۷: سیدظهیرالدین مرعشی، ص ۱۵۹.

۵۰. شیخ علی گیلانی، ص ۸۲.

۵۱. اعظمی سنگسری، صص ۳۵-۳۸ و ۲۰۰.

۵۲. همان؛ نیز بنگرید به: برزگر، صص ۳۹۳-۳۹۴.

۵۳. رابینو، ص ۲۱۸.

چهارم (۷۱۷-۷۲۵ق) در رستم‌دار به قدر طوبی یعنی ۲۷ سال است. اولیاءالله سال در گذشتش را ۷۲۵ق^{۵۴} و شیخ‌علی و، ظاهراً به پیروی از او، مادلونگ آغاز حکومت وی را سال ۷۱۷ق، یعنی پس از مرگ برادر کهترش، استندار محمد شمس‌الملوک (۷۱۱-۷۱۷ق)، و مرگ او را ۷۲۷ق می‌دانند.^{۵۵} به نظر می‌رسد بر اساس گزارش اولیاءالله و شیخ‌علی است که رابینومدت فرمانروایی وی را هفت سال و قتل او را به دست برادرزاده‌اش اسکندر در سال ۷۲۵ق ذکر می‌کند،^{۵۶} گرچه این مدت را بر مبنای همان تواریخ باید هشت سال در نظر گرفت نه هفت سال. این تغییرگشت‌های زمانی در یادداشت ملگونوف نیز به چشم می‌خورد، در جایی که وی این مدت را پنج سال، از ۷۱۱ تا ۷۱۷ق، می‌بیند.^{۵۷} بنابراین، گزارش‌ها آشکارا حاکی از این نکته مهم‌اند که سال‌شمار منظومه از منبعی پیروی کرده که خود در خاستگاه دستخوش تحریف یا تصحیف بوده است.

۴-۳-۱۴ ماده‌تاریخ مآب برای رقم ۴۳:

ملک گشت بهمن به جای پدر به قدر مآب او چو شد بهره‌ور

(برگ ۷۵۷، بیت ۹)

ماده‌تاریخ مآب در مصرع دوم نشان می‌دهد که ملک بهمن بن بیستون (۹۱۳-۹۵۷ق) به مدت ۴۳ سال حکومت کرده است. شیخ‌علی گیلانی به‌صراحت می‌گوید: «ملک بهمن بعد از قتل پدر [۹۱۳ق] به ملک نشسته... پس از چهل و سه سال حکومت فی سنه ۹۵۷ وفات یافت. مزید بقای کیومرث باد تاریخ فوت اوست.»^{۵۸}

۴-۴ ماده‌تاریخ‌هایی برای سال وقوع رویدادهای تاریخی

شاعر در سه شاهد زیر کوشیده است سه ماده‌تاریخی بسازد که نشانی از فتح و ظفر داشته باشد؛ نخست برای خاندان مرعشی مازندران، وطنش، و دو دیگر برای ارتش شاه گیتی‌ستان، شاه عباس صفوی، که نزد او جاه و مقامی ویژه داشت.

۵۴. اولیاءالله آملی، صص ۱۱۷-۱۱۸؛ پذیرفته‌شده از سوی برزگر، صص ۴۱۰-۴۱۱.

۵۵. شیخ‌علی گیلانی، ص ۸۲؛ ویلفرد مادلونگ، «سلسله‌های کوچک شمال ایران»، تاریخ ایران کمبریج، گردآوری ریچارد نلسن فرای، ترجمه حسن انوشه، ج ۴ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲)، ص ۱۴۷.

۵۶. رابینو، ص ۲۱۸.

۵۷. همان، ص ۳۴.

۵۸. شیخ‌علی گیلانی، ص ۸۶؛ نیز بنگرید به: ظهیرالدین مرعشی، ص ۲۷۶؛ مادلونگ، ص ۱۴۷؛ زین‌العابدین علی نویدی

شیرازی، تکملة‌الاجبار، تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوایی (تهران: نشرنی، ۱۳۶۹)، ص ۱۳۸.

۴-۴-۱ ماده تاریخ بشکست برای رقم ۷۸۲:

ولی چون که بشکست در آن نبرد قضا لفظ بشکست تاریخ کرد

(برگ ۸۵، بیت ۱۴)

شاعر در این بیت تاریخ شکست دشمن را مد نظر داشته است. از این رو برای ذکر سال وقوع آن (۷۸۲ق) واژه بشکست را برگزیده است. بنا بر منظومه، این تاریخ سال شکست قطعی امیر ولی استرآبادی به دست سیدکمال الدین مرعشی و تصرف استرآباد از سوی مرعشیان است. در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تاریخ این واقعه سال ۷۸۱ق ذکر شده است.^{۵۹} بعید است که در این جا تصحیفی روی داده باشد.

۴-۴-۲ ماده تاریخ ضبط دیار برای رقم ۱۰۲۶:

به سالی که از روی ضبط دیار چو آینه تاریخ شد آشکار

(برگ ۶۰۶، بیت ۱)

منظومه در ذکر فتح گرجستان به دست شاه عباس صفوی، ماده تاریخی با دو واژه ضبط دیار را برای نشان دادن این فتح بزرگ در سال ۱۰۲۶ق در نظر گرفته است؛ در حقیقت، سالی که این دیار به دست شاه عباس ضبط شده است. تاریخ عالم آرای عباسی و روضة الصفا، متفق القول، سال ۱۰۲۵ق را تاریخ این رویداد ذکر می کنند.^{۶۰} این تفاوت یک ساله در تاریخ گذاری رویدادها در دو ماده تاریخ فوق نیز دیده می شود. برای بحث در باب علت این تفاوت، متأسفانه هیچ منبعی در اختیار نداریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴-۴-۳ ماده تاریخ بخت برای رقم ۱۰۰۲:

جهان را چو نزدیک شد سال بخت شه آورد رو جانب پای تخت

(برگ ۴۱، بیت ۱)

شاعر، که خود در عصر صفوی می زیست، کوشیده است در این بیت مرحله دوم تازش موفقیت آمیز سپاه شاه عباس به گیلان را با ماده تاریخی سعد به یادگار گذارد و واژه ای را در نظمش به کار گیرد که بیانگر اقبال بلند شاه باشد؛ از نظر او، واژه بخت بهترین گزینه و مطابق با سال

۵۹. ظهیرالدین مرعشی، صص ۲۱۷-۲۲۲.

۶۰. ترکمان، ج ۲، ص ۱۱۱۸؛ رضاقلی خان هدایت، تاریخ روضة الصفا فی ناصری، تصحیح جمشید کیان فر، ج ۱۲ (تهران: اساطیر،

۱۰۰۲ق است. این تاریخ برابر است با سال شماری که مورخ مشهور عصر صفوی، ترکمان، به دست می‌دهد^{۶۱} و مختصر تفاوتی با گزارش هدایت، دیگر مورخ بزرگ همان عصر، در *روضه‌الصفاء* دارد که این واقعه را در شرح رویدادهای آغاز بهار سال ۱۰۰۳ ذکر می‌کند^{۶۲}. این ماده‌تاریخ حاکی از آن است که شاعر منظومه در نگارش این بخش از اثرش به احتمال قریب به یقین از تاریخ عالم آرای عباسی اسکندربیک ترکمان بهره برده است.

۴-۵ سال وفات

۴-۵-۱ ماده تاریخ بظلم برای رقم ۹۷۲:

ز سال بظلم او به شوال مرد چو بر خود ستم کرد و تریاک خورد

(برگ ۱۹۳، بیت ۳)

شاعر در این بیت به منظور نشان دادن ستمی که سید عبدالکریم بن سیدعبدالله بر خود روا داشته عالمانه واژه ظلم را ماده‌تاریخ قرار داده که برابر با سال درگذشت او در سال ۹۷۲ق است. میر تیمور مرعشی سال مرگ وی را در بیان وقایع سال ۹۷۳ق ذکر می‌کند^{۶۳}. آیا مرگ سید عبدالکریم واقعاً در تاریخ ۹۷۲ روی داده و مرعشی این واقعه را به مناسبتی در شرح حوادث سال ۹۷۳ نگاشته یا در حقیقت فقط تصحیفی در رقم اثری تاریخی رخ داده که منبع شاعر برای ذکر این رویداد بوده است؟ در پاسخ به این پرسش مهم در حال حاضر هیچ چیز نمی‌توان گفت، مگر این حدس منطقی که بعید است منبع منظومه در این بخش به خصوص از تاریخ اثر مرعشی بوده باشد.

۴-۵-۲ ماده تاریخ یل برای رقم ۴۰:

گیل^{۶۴} مجموع مازندران چو او رفت در سال یل از جهان

(برگ ۷۵۲، بیت ۵)

این دومین بار است که شاعر از واژه یل به منزله ماده‌تاریخ استفاده می‌کند (بنگرید به: ۳-۳-۴). عدد چهل کاملاً با سال درگذشت فرمانروای تبرستان و گیلان، اسپهبد گیل گاوباره، در تناسب

۶۱ ترکمان، ج ۱، ص ۵۸۳-۵۸۵.

۶۲ هدایت، ج ۱۲، صص ۶۶۷۴-۶۶۷۹.

۶۳ میر تیمور مرعشی، *تاریخ خاندان مرعشی مازندران*، تصحیح منوچهر ستوده (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۴)، صص

۱۶۶-۱۶۸.

۶۴ کلمه دشوارخوان، اما قرائت قطعی است.

است؛^{۶۵} اسپهبدی نام آور که، در نگاه شاعر، یلی بزرگ بوده است. این تاریخ مطابق سال ۵۰ در تقویم تبرستانی و ۶۶۰ میلادی است.^{۶۶}

۴-۵-۳ ماده تاریخ خوشباد برای رقم ۹۱۳:

چو در سال خوشباد او گشت مست بر او عورت مطربی یافت دست

(برگ ۷۵۷، بیت ۷)

ماده تاریخ خوشباد به سال درگذشت فرمانروای ناحیت رستمدار ملک بیستون دوم، پسر جهانگیر یکم (۹۱۳ق)، اشاره دارد.^{۶۷} این بیت تلمیحی است به کشته شدن او در وقت مستی، به دست عورتی که قمای (کنیزک) او بود.^{۶۸} معلوم نیست چرا شاعر برای تاریخ قتل استندار خودمختار رویان و رستمدار، برخلاف انتظار و برخلاف رویکردی که در مورد دیگر استنداران از خود نشان می دهد، از واژه ای سعد بهره گرفته است!

۴-۵-۴ ماده تاریخ حامل برای رقم ۶۷۱:

که شهر اگمش نام گشت و نزول شدش سال حامل به دار خمول

(برگ ۷۵۴، بیت ۱۴)

خامل، در مصرع دوم، ماده تاریخ درگذشت استندار شهرآگیم بن نماور است که سی و یک سال در رویان و رستمدار فرمانروایی کرد، «تا در سنه احدى و سبعین و ستمائه (۷۷۱ق) وفات یافت.»^{۶۹} آیا شاعر در به کاربردن واژه حامل، به معنی مرد گمنام و ناشناخته و گاهی نیز فروپایه، به منزله ماده تاریخ سفر ابدی این استندار به «دار خمول» (دار فراموشی و دیار گمنام شدگی) عمدی داشته است؟

۶۵ قس. ابن اسفندیار، ج ۱، ص ۱۵۳.

۶۶ قس. ملگونوف، ص ۳۴؛ اعتمادالسلطنه، صص ۱۹۵-۱۹۶؛ برزگر، ص ۹۲؛ اعظمی سنگسری، صص ۱۴-۱۵.

۶۷ شیخ علی گیلانی، ص ۸۶.

۶۸ بنگرید به: رابینو، ص ۲۱۹؛ اعظمی سنگسری، صص ۱۶۷-۱۶۸. به اعتقاد مادلونگ (ص ۱۵۶)، این زن یکی از همسران فرمانروا بود که به انتقام قتل خانواده اش وی را بکشت.

۶۹ اولیاءالله آملی، صص ۱۰۹-۱۱۴؛ قس. شیخ علی گیلانی، ص ۸۳؛ اعتمادالسلطنه، ص ۲۰۶؛ برزگر، ص ۴۰۶؛ اعظمی

سنگسری، ص ۶۰.

۴-۵-۵ ماده‌تاریخ خفا برای رقم ۶۸۱:

نگین شد ز کیخسرو و اختفا ز عالم شد او را به سال خفا

(برگ ۷۵۴، بیت ۱۵)

ماده‌تاریخ خفا (۸۱عق) در این بیت به زیبایی هرچه تمام‌تر به کار رفته است. مقصود شاعر، همان‌گونه که در نسخه به دقت ضبط شده، بی‌تردید «خَفَا»، به معنی روشن‌شدگی و درخشش خورشید و جلی است، نه «خَفَاء»، به معنی خفی و پنهان. این واژه هم‌قافیۀ «اختفا» در مصرع نخست قرار گرفته و به زیبایی در تباین با آن آمده است. با این حال، به نظر می‌رسد شاعر در این‌جا در تاریخ‌گذاری سال درگذشت کیخسرو بن استندار شهرآگیم بن نامور، حکمران رویان و رستم‌دار، دچار سهو شده است. اولیاءالله آملی، که می‌بایست منبع اصلی او در ذکر وقایع این دو ناحیه باشد، فقط به بیان این نکته بسنده می‌کند که ملک کیخسرو پس از برادرش ملک‌شاه غازی به حکومت رسید؛^{۷۰} نکته‌ای البته مهم که شاعر مورخ در پردازش سلسله‌مراتب تاریخی بی‌توجه از کنار آن گذشته است. محققانی چون مادلونگ،^{۷۱} برزگر،^{۷۲} و اعظمی سنگسری^{۷۳} به درستی نشان داده‌اند که کیخسرو می‌بایست در سال ۷۱۱ یا ۷۱۲ درگذشته باشد. اما این سؤال همچنان بی‌پاسخ می‌ماند که شاعر ما بر اساس کدام منبع یا مأخذی تاریخ ۸۱عق را برگزیده است، در حالی که شیخ‌علی گیلانی^{۷۴} به‌صراحت ذکر می‌کند که ملک کیخسرو بن شهرآگیم یازده سال ملک رانده و در سنه ۷۱۲ درگذشته است.

۵. نتیجه‌گیری

ماده‌تاریخ‌ها که برای ثبت رویدادهای مهم در قالب شعر به یادگار مانده‌اند، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تاریخ‌نگاری نوین به شمار می‌روند. ماده‌تاریخ‌های مضبوط در نسخه تاکنون منتشرنشده «منظومه فتوحات شاه اسماعیل»، که اکنون به مدارک اصیل تاریخ مازندران افزوده می‌شود، یکی از مهم‌ترین‌هاست. این اثر که به بیان وقایع تاریخی سیاسی ایران، به‌ویژه مازندران و حکمرانی مرعشیان و دیگر شاهک‌های شمال ایران در عصر صفویه، می‌پردازد، ماده‌تاریخ‌هایی که در آن به

۷۰. اولیاءالله آملی، ص ۱۱۵.

۷۱. مادلونگ، ص ۱۴۹.

۷۲. برزگر، ص ۴۱۰.

۷۳. اعظمی سنگسری، صص ۶۶-۶۷.

۷۴. شیخ‌علی گیلانی، ص ۸۳.

کار رفته، می‌تواند صحت برخی گزارش‌های اصیل را تأیید یا تکذیب کند؛ چیزی که ممکن است حتی در برخی تحریف‌ها و تصحیف‌ها نیز رخ داده باشد.

چیره‌دستی شاعر این منظومه در ماده‌تاریخ‌سازی از شمار ابیات ماده‌تاریخ‌دارش پیداست. او در همهٔ این‌گونه ابیات نشان می‌دهد که با اصول ماده‌تاریخ‌نویسی کاملاً آشناست؛ به ابتدای ماده‌تاریخ‌هایش واژه‌هایی چون «سال»، «به قدر»، «بر قدر»، «به مقدار»، و «چو» را می‌افزاید تا آشکارتر نشان دهد که پس از این الفاظ ماده‌تاریخ‌ها ذکر شده‌اند. در این جا ماده‌تاریخ‌ها معمولاً در یک مصرع می‌آیند؛ گاهی فقط از یک واژه تشکیل شده‌اند (مانند دل)؛ بسیار به‌ندرت اسم یا صفتی هستند که به همراه ادات آمده‌اند (مانند بظلم)؛ گاهی با دو واژه ساخته شده‌اند (مانند ضبط دیر)؛ گاهی با سه واژه (مانند با بخت بود)؛ و گاهی حتی تمام واژه‌های یک مصرع در مقام یک ماده‌تاریخ ذکر شده‌اند (مانند شمر شاه مازندرانی کمال). او در هر مناسبتی ماده‌تاریخی را در آرایهٔ تناسب ذکر کرده است؛ رویداد سعد را با ماده‌تاریخی سعد (مانند بخت) و واقعه‌ای شوم یا حادثه‌ای تأسف بار را با ماده‌تاریخی نحس یا غم‌انگیز (مانند بظلم) نشان می‌دهد. عجیب به نظر می‌رسد که او در یک مورد (خوش‌سباد) ماده‌تاریخی ظاهراً سعد را برای واقعه‌ای ظاهراً نحس به کار برده است؛ که ممکن است عمداً چنین کرده باشد. او نه تنها گاهی ماده‌تاریخ را قافیه می‌کند، که حتی هم‌قافیه را نیز در تباین ماده‌تاریخ قرار می‌دهد (مانند خفا)، افزون بر این که گاهی برای نشان دادن چیره‌دستی‌اش، در یک مصرع ماده‌تاریخ را با قافیه مراعات‌النظیر می‌کند (مانند جیل را با جبال).

این جستار کوتاه به‌روشنی نشان می‌دهد ماده‌تاریخ‌های این منظومه تا چه حد اهمیت دارند. بررسی‌های متن‌شناسانهٔ ما گویای این واقعیت است که کاتب برای نگارش هر بخش از تاریخ منظوم خویش از منابع به‌خصوصی بهره برده است. ما اکنون با این پژوهش می‌دانیم این منابع چه بوده‌اند و تا چه حد در ساختار تاریخی و نگرش تاریخ‌نگاری وی تأثیر گذاشته‌اند یا شاعر تا چه حد در نگارش تاریخش ساختارشکنی کرده است.

تحلیل‌های مقاله حاکی از آن است که صحت ماده‌تاریخ‌هایی که او ارائه داده است، عمدتاً در مقایسه با منابع اصیل دیگر تأیید می‌شود، مگر در مواردی شاذ که ممکن است معلول تحریف‌های عمدی شاعر یا منابعی باشد که او از آن‌ها بهره برده است، گرچه در برخی موارد ممکن است فقط از تصحیف در منبع شاعر ناشی شده باشد. با این حال، بنا بر بررسی حاضر، اکثر تفاوت‌هایی که در تاریخ‌گذاری‌های وی دیده می‌شود، مستقیماً به منابع او مربوط می‌شوند. شاعر می‌کوشد نظمش را با نوآوری همراه کند. شاید از همین روست که گاهی مواد تاریخی را مطابق خواسته‌اش برمی‌گیرد

و آن‌ها را مطابق با طرح منظومه‌اش بازسازی و بازآفرینی می‌کند. ماده‌تاریخ‌های این منظومه اکنون می‌توانند شکاف‌هایی را که در میانه راه تاریخ مازندران وجود دارند پُر کنند؛ و به‌ویژه به اصلاح سنواتی بپردازند که زمانی وضعیتشان یا مطلقاً نامعلوم و یا مغشوش بود؛ و یا حتی می‌توانند پلی باشند میان اپیزودهایی از هم‌گسیخته که تا امروز در تاریخ باشکوه مازندران ناشناخته بوده‌اند. اهمیت این نسخه و ماده‌تاریخ‌های مندرج در آن چنان است که هر برگ آن می‌تواند موجبات تحولات جدید و رویکردهای نوین را در این حوزه از دانش فراهم کند.

منابع

آقابزرگ تهرانی، طبقات الاعلام الشيعه، تحقیق علی‌نقی منزوی، بیروت: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۳.

ابن اسفندیار، حسن، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۰.
اعتمادالسلطنه، محمدحسن، تاریخ طبرستان (التدوین فی احوال جبال شروین)، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۳.

اعظمی سنگسری، چراغ‌علی، گاوبارگان پادوسپانی؛ بازماندگان ساسانیان در رویان، تهران: بی‌نا، ۱۳۵۴.
اولیاءالله آملی، تاریخ رویان، تصحیح عباس خلیلی، تهران: اقبال، ۱۳۱۳.

برزگر، اردشیر، تاریخ تبرستان، تصحیح و پژوهش محمد شکر فومشی، تهران: رسانش، ۱۳۸۰.
ترکمان، اسکندربیک، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱ و ۲، به کوشش فرید مرادی، تهران: نگاه، ۱۳۹۰.
رابینو، ه ل، مازندران و استراباد، ترجمه غلام‌علی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
شایان، عباس، کتاب مازندران، ساری: مؤلف، ۱۳۱۶.

فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، چاپ سوم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۴.
گیلانی، شیخ‌علی، تاریخ مازندران، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
مادلونگ، ویلفرد، «سلسله‌های کوچک شمال ایران»، تاریخ ایران کمبریج، گردآوری ریچارد نلسن فرای، ترجمه حسن انوشه، ج ۴، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲.

مجدد، مصطفی، ظهور و سقوط مرعشیان، تهران: رسانش، ۱۳۸۸.
مرعشی، ظهیرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش محمدحسین تسبیحی، تهران: شرق، ۱۳۶۸.

مرعشی، میر تیمور، تاریخ خاندان مرعشی مازندران، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۴.

معصوم، میرزا محمد، تاریخ سلاطین صفویه، سعی و اهتمام سید امیرحسن عابدی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱.

ملگونوف، گ. و، سفرنامه ملگونوف به سواحل جنوبی دریای خزر، تصحیح مسعود گلزاری، تهران: دادجو،

۱۳۶۴.

- مهبجوری، اسماعیل، تاریخ مازندران، تهران: توس، ۱۳۸۱.
- میرصادقی، میمنت، واژه‌نامه هنر شاعری، تهران: کتاب ممتاز، ۱۳۷۳.
- نویدی شیرازی، زین‌العابدین علی، تکملة الاخبار، تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوایی، تهران: نشرنی، ۱۳۶۹.
- هدایت، رضاقلی‌خان، تاریخ روضة الصفاى ناصرى، ۱۵ ج، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر، ۱۳۸۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی